

## بررسی تاریخ آل خجند در تاجیکستان

دکتر لقمان بایمت اف‌ت\*

### اشاره

تاجیکان، بخصوص خجندیان نسبت به آل خجند اصفهان محبت خاصی دارند. علت این دلبستگی شاید به خاطر آن باشد که تاجیکان در خاندان خجندیان تاریخ خود را دیده‌اند. این امری طبیعی است و اما باطن قضیه نیست. علت اصلی و ریشه‌های این گونه دلبستگی هیچ ربطی به احساس محل‌گرایی ندارد، بلکه در ارج گذاشتن فضل و دانش و معرفت است. یکی از ویژگی‌های تفکر ملی تاجیکان و عموماً ایرانیان در معرفت پرستی آنان است. پوشیده نیست که روسا و صدور آل خجندیان اصفهان با سیاست معرفت پروری و دانش دوستی خود معروف بودند و در واقع تاریخ، کمترین خاندانهای حاکم را دیده است که با گذشت قرن‌ها، عزت و احترام مردم و بخصوص اهل فرهنگ و ادب را نسبت به خود مجدداً کسب کرده باشند. در نوشتار ذیل تلاش شده تا این خاندان معتبر به صورت کامل معرفی شود.

تاجیکان، بخصوص خجندیان نسبت به آل خجند اصفهان محبت خاصی دارند. علت این دلبستگی شاید به خاطر آن باشد که تاجیکان در خاندان خجندیان تاریخ خود را دیده‌اند. این امری طبیعی است و اما باطن قضیه نیست. علت اصلی و ریشه‌های این گونه دلبستگی هیچ ربطی به احساس محل‌گرایی ندارد، بلکه در ارج گذاشتن فضل و دانش و معرفت است. یکی از ویژگی‌های تفکر ملی تاجیکان و عموماً ایرانیان در معرفت پرستی آنان است. پوشیده نیست که روسا و صدور آل خجندیان اصفهان با سیاست معرفت پروری و دانش دوستی خود معروف بودند و در واقع تاریخ، کمترین خاندانهای حاکم را دیده است که با گذشت قرن‌ها، عزت و احترام مردم و بخصوص اهل فرهنگ و ادب را نسبت به خود مجدداً کسب کرده باشند.

با جرأت می‌توان گفت آل خجند اصفهان یکی از سلسله‌های مشهور فرهنگ پرور ایران است که با سیاست و صفات نغز خود در دفتر خاطرات تاریخ نام نیکی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

---

\* عضو آکادمی علوم تاجیکستان.

همین خصلت فرهنگ دوستی این خاندان باعث شده است که تاجیکان اگر چه دور از اصفهان قرار دارند، سرگذشت آل خجندیان اصفهان را جزئی از تاریخ ملی خویش بدانند.

اگر خاندان خجندیان از جمله‌ی خاندانهای جنایتکار و دور از فرهنگ و ادب می‌بودند بعید است، توجه مردم تاجیک نسبت به این خاندان به همین گونه که هست، می‌شد و ارتان از خاندانهای خیانتکار تاریخ احساس خجالت زدگی می‌کنند. تاریخ ثابت کرده است که عزت و احترام خاندانهای مشهور تاریخی بسته به سهم آنان در پیشرفت کشور، شهر، فضل و دانش و رفاه مردم بوده است. تاریخ آل خجندیان کوچکترین نمونه‌ای از تجلی این حکمت تاریخی است. آل خجندیان اصفهان و شکوهی که آنان داشته‌اند با گذشت قرن‌ها باعث افتخار و ارتان گردیده است. جایگاه این خاندان در واقع باز یک شهادت رد ناپذیر از تاریخ و فرهنگ مشترک تاجیکان و ایرانیان در گذشته و حتی در زمان حال. تاریخ هر چه قدر که عمیق‌تر و علمی‌تر مورد بررسی قرار گیرد به همان اندازه پایه‌های هویت قوم مستحکم‌تر و استوارتر خواهد شد، پس برای جلو رفتن و پیشرفت کردن ملت باید از تاریخ بیشتر آگاه باشد.

ادبیات شناس معروف تاجیک، پروفسور دانشگاه دولتی خجند، شادروان سعدالله سعدالله‌یف به احتمال قوی نخستین محقق تاجیک می‌باشد، که توجه خاصی به بررسی و تحقیق جایگاه شعرا و فضایی آل خجندیان اصفهان داشته است. مقالات محقق فوق تحت عناوین «خاندان خجندیان یا آل خجند»، «صدر خجندی» و ... در سالها ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ میلادی در روزنامه استانی «حقیقت لنینیاد» به چاپ رسیده بودند.<sup>۱</sup> این مقالات اگر چه در روزنامه درج شده بود، ولی از لحاظ انتقال اطلاعات و در معرفی افراد آل خجندیان در محیط فرهنگی تاجیکستان در دهه‌های ۱۹۷۰ میلادی نقش داشته است. مردم تاجیک توسط نوشته‌های آقای دکتر اسدالله یف نخستین آگاهیهای خویش را درباره وجود خاندان خجندیان و جایگاه ایشان در تاریخ اصفهان کسب کرد. البته نوشته‌های محقق مزبور را با تحقیقات دانشمندان ایرانی که در این سالها انجام داده بودند، نمی‌توان مقایسه کرد. اما باید در نظر داشت که با وجود عدم دسترسی به منابع و مأخذ لازم، پروفسور اسدالله‌یف با آنچه که در تاجیکستان بوده است، توانسته است، معرفی خوبی

۱- اسدالله یف، سعدالله: *خاندان خجندیان یا آل خجند*، حقیقت لنینیان، ۱۹۷۱، ۲۲ دسامبر؛ همان مؤلف صدر خجندی - حقیقت لنینیاد، ۱۹۷۲، ژنویه؛

را از خجندیان اصفهان تدوین نماید. گزاف نخواهد بود اگر بگویم کاشف واقعی آل خجندیان در جمهوری تاجیکستان پروفیسور سعدالله اسدالله‌یف است.

نوشته‌های این محقق تاجیک در زمینه تاریخ آل خجندیان اصفهان در واقع نشانگر اصلی دستاورد شرق شناسان و ادبیات شناسان تاجیکستان در دهه‌های اخیر است. قابل ذکر است، بخش کتاب «تاریخ لیناباد» را که مربوط به آل خجندیان اصفهان است<sup>۱</sup> پروفیسور اسدالله‌یف نوشته است. صریحاً می‌توان گفت که بخش مزبور در مقایسه با بخشهای دیگر فصل مربوط به تاریخ قرون ۱۱-۱۰ میلادی خجند پربارتر به نظر می‌رسد. مؤلف سعی کرده است براساس اطلاعات منابع دست اول و تحقیقات دانشمندان جایگاه آل خجندیان را در تاریخ فرهنگ و ادب هر چه بهتر نشان دهد.

علاوه بر آنچه که ذکر شد، پروفیسور سعدالله‌یف مقالات متعددی را در رابطه با افراد آل خجندیان اصفهان در دایره المعارفهای تاجیکستان ارائه کرده است و که این نوشته‌ها اساساً تکمیل تصحیح تحقیقات قبلی مؤلف می‌باشند. نقد و بررسی این نوشته‌ها در مقاله‌ی «آل خجندیان» در دایره المعارفها خواهد آمد.

سال ۱۹۹۲ میلادی پروفیسور اسدالله‌یف رساله کوچکی را در چهارده صفحه تحت عنوان «آل خجند، صدر خجندی» تدوین کرد<sup>۲</sup> که در کنار تحقیقات قبلی مؤلف در معرفی جایگاه آل خجند و برخی از افراد این خاندان تا زمان انتشار کتاب خانم دکتر ریحانه خاتون<sup>۳</sup> در دایره علمی تاجیکستان از مهمترین تحقیقات در زمینه‌ی تاریخ آل خجند محسوب می‌شد و همین طور پروفیسور سعدالله در جمهوری تاجیکستان محقق اصلی تاریخ آل خجندیان اصفهان به شمار می‌آید.

علی قول دیوانه قلوب محقق تاجیک از آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان در سال ۱۹۸۹ میلادی در مجله علم و حیات مقاله‌ای را تحت عنوان «آل خجندیان و فرهنگ تاجیکان» به

1 - Aasullaev S. Ali Khuddzhamnd- Istoriya Leninababa. Dushbe 1989.

۲- اسدالله‌یف، سعدالله: آل خجند، صدر خجندی. خجند، ۱۹۲۲.

۳- نقد و بررسی این کتاب: بایست افه لقمان. آل خجند از نگاهی دیگر نقد و بررسی کتاب خجند- فرهنگ اصفهان، ۱۳۸۲، شماره ۲۵، ۲۶، صص ۱۳۵، ۱۳۸.

چاپ رساند.<sup>۱</sup> مؤلف در این مقاله نام چهار تن از خاندان خجندیان اصفهان: ابوبکر محمد ابن ثابت خجندی، جمال الدین محمودبن عبداللطفبن محمدبن ثابت خجندی و صدر الدین محمد، صدر الدین محمودبن عبداللطف را ذکر کرده و ضمن بررسی جایگاه ایشان نمونه‌ای از مدایح شعرای هم زمان این خاندان ( اساساً از خاقانی شیروانی) را آورده است. مقاله آقای دکتر علی قول دیوانه قلوب را نمی‌توان در این زمینه به عنوان یک تحقیق علمی معرفی کرد زیرا هدف مؤلف انجام تحقیق علمی تاریخ خجندیان اصفهان نبوده است. در هر صورت مقاله مزبور در معرفی جایگاه برخی از افراد معروف این خاندان در جمهوری تاجیکستان سهم داشته است.

محقق شناخته تاجیک پروفیسور عبدالله جان میر بابایف در مقاله خویش تحت عنوان «تور خجند» اشاره‌ای کوتاه‌ای بر جایگاه آل خجندیان در تاریخ و فرهنگ اصفهان کرده است و ضمن بررسی نام چند نفر از فضلا و ادبای این خاندان را ذکر کرده است.<sup>۲</sup> ابوبکر بن ثابت خجندی، فخرالدین خجندی و صدرالدین خجندی ترکه از جمله شخصیت‌های می‌باشند که پروفیسور عبدالله جان میربابایف به آنان توجه خاصی داشته است. مؤلف مقاله مزبور از جمله نوشته است:

« نظام الملک، وزیر عالی آل سلجوقیه، مؤلف «سیاست نامه» دانشمندان خجندی را معزز و مکرم می‌داشت. در مجلسی و صحبت‌های علمی او شرکت می‌کرد. پس از تأسیس مدرسه «نظامیه» اصفهان نظام الملک ثابت خجندی را به سال ۱۰۴۰ میلادی به سمت ریاست دانشگاه منصوب کرد. بنا به گزارش مؤلف «تاریخ یمینی» این خاندان همه اهل فضل و دانش بوده‌اند. طبق نوشته‌ی و - کریمسکی، ادبیات‌شناس معروف از میان افراد این خاندان طی قرن ۱۲ میلادی تعدادی از شاعران به کمال رسیده‌اند که نام آنها را در «ادبیات پارسی جدید می‌توان پیدا نمود؛ این خاندان در اصفهان صاحب کتابخانه‌ای بودند، به نام «کتابخانه خجندیان». خاندان آل خجند شاعران و عالمان بی بضاعت و با استعداد را کمک و مساعدت‌ها می‌کردند. ظهیر فاریابی ( در متن « فاریابی» آمده است که البته اشتباه است. - ل.ب.)، خاقانی، شاعران معروف ادبیات فارسی از جمله دست پروردگان همین خاندان بوده‌اند. به نوشته حاجی خلیفه داوود انتاکی (هوت ۱۵۹۹م) فخرالدین خجندی یکی از شخصیت‌های برجسته خاندان مزبور به «القانون» شیخ ابوعلی سینا شرح و تعلیقات نوشته است. این خاندان طی بیش از سیصد فعالیت می‌کردند.

۱- دیوانه قلوب، علی قول: *آل خجندیان و فرهنگ تاجیکان علم و حیات*، ۱۹۸۹، شماره ۱، صص ۵-۷.

۲- میربابایا، عبدالله. نور خجند خجند نامه، مجموعه مقالات متنوع. دوشنبه، ۱۹۹۴، صص ۶۱-۶۷.

صدرالدین خجندی، یکی از آخرین نمایندگان خاندان علمای خجند ملقب به «ترکه» در قرن ۱۴ میلادی قاضی اصفهان بود. در تاریخ دو نامه از رشیدالدین به صورت جواب به، وزیر معروف خاندان حلا کوئیان (در متن «خولگیان» آمده است که اشتباه است ل.ب.) ایران به نامه صدرالدین ترکه مشهور است. صدرالدین در عین حال از دانشمندان شناخته دوران خود بود و از جانب رشید الدین از احترام زیاد برخوردار بود. صدرالدین ترکه دو رساله تحت عنوان «حکمت رشیدی» و «کنوزالافرح فی معرفه الاشبه و الاروح» به وزیر رشید الدین بخشیده است. خاندان خجندی در بغداد نیز از احترام فراوان برخوردار بودند. چنانچه، ابن جیبیر اندالوزی، سیاح عرب نگاهی سال ۱۱۸۳ از بغداد دیدن کرد، در مجلس یکی از نمایندگان خاندان دیگر خجندی با نام صدرالدین حضور یافت.

صدرالدین مزبور نیز در مدرسه نظامیه بغداد واعظ بود. ابن خبیر تقویت سخن خود نوشته است که واعظ خجندی به دو زبان فارسی و عربی صحبت می‌کرد و گفته‌هایش را هر دفعه از شعرای فارسی و عرب استدلال می‌نمود. حاضرین از سخنرانی‌های صدرالدین خجندی بجدی متأثر می‌گردیدند که اشک از دیده بسان رود روان جاری می‌کردند.

چنانکه آشکار است، دکتر عبدالله جان میر بابایف برای ارائه مطلب خویش اساساً ارجاع به نوشته‌های ادبیات شناسی معروف کریمسکی و چندی از مؤلفان قرون وسطی (رشید الدین، ابن خبیر و...) داده است این توضیحات به طور کلی صحیح می‌باشند ولی از دو جهت قابل ایراد است و این که مؤلف مقاله بر اساس نوشته‌های حاجی خلیفه، فخرالدین خجندی را از نمایندگان آل خجندی اصفهان بر شمرده است که اشتباه محض است. فخرالدین خجندی هیچ ربطی به خاندان خجندی اصفهان ندارد.<sup>۱</sup> اتفاقاً دکتر عبدالله جان میربابایف به این اشتباه خود پی برده

1 - Raddzhabov A. Fakriddin khuddzhandi - khuddzhand Entsiklopediya. GNRTE., Dushanbe, 1999, S 784.

کتاب شناسی نسخ خطی پزشکی ایران تنظیم و تدوین اکروم راجع، فریده هادیان، صدیقه سلطانی‌فر، زهرا چهره خند. زیر نظر خانی جزئی. کتابخانه ملی ایران تهران، ۱۳۷۱، صص ۲۱، ۲۱، ۲۹، ۸۰. همچنین ر. ک به فهرست کتابخانه اهدای آقای سید محمد مشکوت به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، صص ۲۲۳۴ - ۲۲۳۶؛ ۲۲۳۹؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی... تألیف عبدالحسین حائری، جلد چهارم. نشریات کتابخانه تهران، ۱۳۳۵، ص ۳۷۰ متذکر باید شد که تا کنون آثار فخرالدین خجندی موجود در کتابخانه‌های مختلف ایران و کشورهای دیگر معرفی نشده‌اند.

است، و این مطلب در متن روسی تحقیق وی که بعد از یک سال منتشر شده است،<sup>۱</sup> دیده نمی‌شود. استاد میر بابایف در مقاله فوق بعد از ذکر نام فخرالدین خجندی، تأکید نموده است که خاندان خجندیان «طی بیش از سیصد فعالیت داشتند» اما این دیدگاه نیز چندان صحیح نیست هم اکنون دقیقاً معین شده است که برخی از نمایندگان این خاندان حتی در زمان سلسله صفویان در حیات اجتماعی - سیاسی ایران نفوذ داشتند و یکی از این شخصیت‌های معروف و با نفوذ خواجه افضل الدین ترکه اصفهانی خجندی بوده است.<sup>۲</sup>

رئیس سابق دانشگاه دولتی خجند پروفیسور سعدالله عبدالله یوف در کتاب جدید خویش «فرهنگ سامانیان» توجه خاصی بر جایگاه خاندان خجندیان دارد.<sup>۳</sup> پروفیسور سعدالله عبدالله یوف سعی کرده است در مطلب مختصر خویش نقش خاندان خجندی اصفهان را به عنوان سلسله معروف پیشه و فرهنگ پرور ایران نشان بدهد. آن چه قابل ذکر است، این است که این محقق بر اساس اطلاعات مورخ عتبی و تأکید بیشتری بر جایگاه کتابخانه مشهور آل خجندیان اصفهان کرده است. (صص ۳۵۵-۳۵۶).

بدون شک پروفیسور سعدالله عبدالله یوف از منابع و مآخذ مربوط به تاریخ آل خجندیان به خوبی آگاهی داشته است و برای تأیید و تصدیق نظرش بر مقاله «آل خجند» که در جلد اول «دایره المعارف بزرگ اسلامی» نشر شده است، ارجاع داده و از جمله نوشته است:

«در دایره المعارف بزرگ اسلامی» باز از ۱۳ نفر نمایندگان این خاندان شریف خجندی اطلاع داده شده است که، هر یکی در صفحات تاریخی تمدن و علم و فرهنگ ایرانی با تبحر کامل خویش در علوم مختلف زمان خود و تالیفات معدد با خط زیرین ثبت شده‌اند»

از مهمترین ویژگیهای تالیفات و پژوهشگران تاجیکستان در زمینه تحقیق و بررسی تاریخی آل خجندیان عدم دسترسی محققان تاجیک به منابع و مآخذ مربوط به تاریخ آل خجندیان و محدود بود زمینه منابع شناسی آنان است. محققان و پژوهشگران تاجیک به آثار فضلا و ادبای خاندان

1 - Mirbabaev A K. Istoricheskoe nasledie khuddzhanda Dushanbe. 1995, S. 134.

۲- در این باره ر. کد به: یایمت افه لقمان. *خجند در آینه تاریخ* - کیهان فرهنگی، ۱۳۷۹، دی ماه، شماره ۱۷۱، صص ۵۲-۵۵.

۳- عبدالله یوف، *فرهنگ سامانیان*. خجند ۲۰۰۱، صص ۳۵۵-۳۵۶.

خجندیان که غالباً در شکل نسخ خطی در کتابخانه‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر نگهداری می‌شوند، دسترسی مستقیم نداشتند. پژوهشگران تاجیک در بررسی موضوع مورد نظر اساساً بر اطلاعات تعدادی از تذکره‌های فارسی تکیه کرده‌اند.

ضعف اصلی تألیفات محققان تاجیک در تحقیق تاریخ آل خجند اصفهان را قبل از همه در نبود اطلاعات مستقیم و عدم دسترسی منابع اصلی باید جست.

از دیگر ویژگی‌های تألیفات محققان و پژوهشگران تاجیک در زمینه تاریخ آل خجندیان تکرار مطالب و محدود بودن موضوعات مورد بررسی و نیز در یک رنگ بودن برداشتهای مؤلفان است. ویژگی‌های دیگر تحقیقات و پژوهشهای محققان تاجیکستان در زمینه تحقیق تاریخ آل خجندیان اصفهان در آن است که اغلب محققانی که دست به بررسی مسائل تاریخ خاندان مزبور زده‌اند، زاده‌شهر خجند می‌باشد و همان گونه که اشاره گردید این واقعیت را نباید به شدت احساس محل‌گرایی پژوهشگران ربط داد. بر عکس چنان که در بالا ذکر شد توجه محققان نسبت به این گونه موضوعات به دلیل آگاهی از مسائل پیچیده تاریخ اجتماعی و سیاسی در گذشته و نیز برای پاسخ دادن به نیازهای معنوی مردم صورت گرفته است. میزان برآورده کردن نیازهای علمی و معنوی مردم البته خود بحث دیگری است. مهم این است که محققان و پژوهشگران تاجیک همیشه از راه تحقیق و بررسی علمی در پی پیدا کردن گمشده‌های هویت ملی خویش در تاریخ بوده‌اند. به علت دوری از خاک وطن و عدم دسترس به اطلاعات دقیق از وضع مورد نظر آگاهی چندانی ندارم. شاید اخیراً در جمهوری تاجیکستان، به خصوص در خجند نسبت به تاریخ خاندان خجندیان اصفهان تحقیقات و تألیفات جدیدی نشر شده باشد ولی گمان نمی‌کنم، دستاوردهای محققان تاجیک در این زمینه فراتر از آن چه که پژوهشگران ایرانی موفق شده‌اند، رفته باشد، به این دلیل که مهمترین منابع و مأخذ دست اول و تحقیقات پراکنده انجام شده در جمهوری اسلامی ایران، در اختیار محققان تاجیک قرار گرفته باشد.

گذشته از این بدون بررسی تحلیل آثار دانشمندان و علمای خجندیان که غالباً در کتابخانه‌های مختلف ایران نگهداری می‌شود، ارائه کردن تحقیق پر بار و سنگین در زمینه تاریخ آل خجندیان اصفهان کار بسیار دشواری است.

مسلم است که محققان و پژوهشگران تاجیک با دلایل بسیار مختلف امکان دسترسی مستقیم به منابع دست اول و آثار خطی دانشمندان آل خجندیان اصفهان را ندارند. از این رو ضعف کارهای محققان تاجیک را در زمینه تحقیق و بررسی تاریخ آل خجندیان می‌توان «ضعف با دلیل» نامید و انتقاد شدید از روش و اصول تحقیق پژوهشگران تاجیکستان چندان عادلانه به نظر نمی‌رسد. از این نظر تحقیقات و تألیفات علمای تاجیکستان در جای خود و برای مردم تاجیک که از تاریخ آل خجندیان آگاهی چندان نداشتند، بسیار مفید است.

اما با این وجود تألیفات و تحقیقات محققان و پژوهشگران تاجیک را در زمینه تاریخ خاندان خجندیان نمی‌توان به عنوان تحقیقات در حقیقت آکادمیک معرفی کرد. آن چه در رابطه با این موضوع انجام داده‌اند، کوششی برای تأکید بر هویت ملک خجند و تاجیکان است. البته این سعی و کوششهای چنان که در بالا ذکر شد برای آگاهی بیشتر و تکمیل تفکر و تقویت بخشیدن هویت ملی در چند دهه آخر بی‌ثمره نبوده است.



## کتابنامه

- ۱- اسدالله یف، سعدالله: *خاندان خجندیان یا آل خجند - حقیقت لینیان*، ۱۹۷۱، ۲۲، دسامبر؛ همان مؤلف، صدر خجندی - حقیقت لینیان، ۱۹۷۲، ژنویه؛
- 2- Aasullaev S. Ali Khuddzhamnd- Istoriya Leninababa. Dushbe 1989
- ۳- اسدالله یف، سعدالله: *آل خجند*، صدر خجندی. خجند، ۱۹۲۲.
- ۴- نقد و بررسی این کتاب: بایمت اف، لقمان. *آل خجند از نگاهی دیگر نقد و بررسی کتاب خجند - فرهنگ اصفهان*، ۱۳۸۲، شماره ۲۵، ۲۶، صص ۱۳۵، ۱۳۸.
- ۵- دیوانه قلوب، علی قل: *آل خجندیان و فرهنگ تاجیکان - علم و حیات*، ۱۹۸۹، شماره ۱۱، صص ۷-۵.
- ۶- میربابا، عبدالله. *نور خجند - خجند نامه*، مجموعه مقالات متنوع. دوشنبه ۱۹۹۴، صص ۶۱-۶۷
- 7- Raddzhabov A. Fakriddin khuddzhandi - khuddzhand Entsiklopediya. GNRTE., Dushanbe, 1999, S 784.
- کتاب شناسی نسخ خطی پزشکی ایران تنظیم و تدوین اکروم راجح، فریده هادیان، صدیقه سلطانی فر، زهرا چهره خند. زیر نظر خانی جزنی. کتابخانه ملی ایران تهران، ۱۳۷۱، صص ۲۱، ۲۱، ۷۹، ۸۰ همچنین ر. ک به:
- فهرست کتابخانه اهدای آقای سید محمد مشکوت به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، صص ۲۲۳۴ - ۲۲۳۶؛ ۲۲۳۹؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی... تالیف عبدالحسین حائری، جلد چهارم. نشریات کتابخانه تهران، ۱۳۳۵، ص ۲۷۰ متذکر باید شد که تا کنون آثار فخرالدین خجندی موجود در کتابخانه‌های مختلف ایران و کشورهای دیگر معرفی نشده‌اند.
- 8- Mirbabaev A K. Istoricheskoe nasledi khuddzhandi Dushanbe. 1995, S 134..
- ۹- در این باره ر. ک. به: بایمت اف، لقمان. *خجند در آینه تاریخ - کیهان فرهنگی*، ۱۳۷۹، دی ماه، شماره ۱۷۱، صص ۵۲-۵۵.
- ۱۰- عبدالله یف، سعدالله: *فرهنگ سامانیان*. خجند ۲۰۰۱، صص ۳۵۵-۳۵۶.